

به نام خدا

نیاز: پدیده‌ای که پایه‌ی حرکت انسان است.

نیازهای زیستی: نیازهایی که بدون آن زنده بودن امکان ندارد. (۱- هوا، ۲- پوشاک، ۳- سرپناه، ۴- تولید مثل)

نیاز

نیازهای فرارزیستی: نیازهایی که باید آورده شدن آن‌ها شرایط و وضعیت زندگی انسان‌ها را اختلال و بهتری شود.
(۵- آموزش، ۶- بهداشت، ۷- تفریح و ...)

نیازهای شهروندی: بالاترین نیازهای تسخیر شده هستند که زندگی افراد را متحول می‌کند.
مفهوم شهروندی: از آنجایی که محیط زیست انسان‌ها ساخته شده است، جامعه باید سعی کند امکانات رشد فرد را فراهم آورد.

مفهوم غنی شهروندی: به رفتار مدنی مربوط شده که افراد به عنوان مسئول بدانند.

انواع حیوانی: بر پایه نیازها:

حیوانی زیستی: بر پایه نیاز زیستی شکل می‌گیرد و اساس آن رابطه‌ی اجتنابی

است.

جامعه‌ی فرازبستی: بر پایه‌ی نیازهای فرازبستی شکل گرفته است و اساس آن روابط اجتماعی است.

جامعه‌ی شهروندی: عالی‌ترین سطح جامعه است و اساس این جامعه تعامل اجتماعی است.

انبار جامعه‌ی روستایی است زیرا امکانات بهنجاری فراهم نیست.

دلیل $\hookrightarrow$ از ۱۰۰٪ حقوق $\hookleftarrow$ ۷۰٪ روستایی
۳۰٪ روستایی.

در جوامع جدید به مردم سعی کردند بیشتر کارها را از طریق شبکه‌ها انجام دهند. گاهی این نهادها و دستگاه‌های خود بیشتر به یک مشکل منتهی می‌شود.

اساسی رابطه‌ی (اجتماعی چه باشد؟)

مطلق اخلاق: مجموعه رفتارهای پذیرفته شده (انسان)

دین: پیام الهی یا حکم الهی پذیرفته شده

ارزش: باورهای یک فرد یا گروه

حقوق: رفتارهای حکومتی منابع: عرف
دین
اخلاق
فرهنگ

حقوقی تواند روابط (اجتماعی یک جامعه را به بهترین شکل مدیریت

دهد و مدیریت جامعه را به عهده بگیرد.

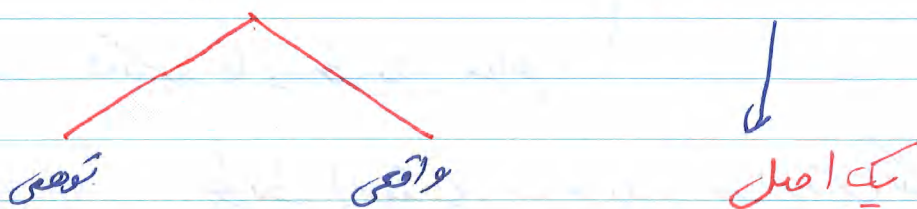
نسبی: قابلیت تغییر دارد

مطلق: غیر قابل تغییر

مالکیت: دارایی / حسن تنگ / داشتن یک چیز / نسبت به یک پدیده مابعد اختیار دار

نسبت دادن یک پدیده به خود.

موضوع مالکیت (دارایی) انسان: تصور مالکیت بر خویش (نفس)



* به نظری برسد اصل بالا یک برداشت { واقعی در مورد دارد. / توهمی

زمانی که گروه ها، افراد یا گرایش ها مالکیت انسان بر خویش

را تحت تأثیر قرار می دهند این برداشت (تصور) توهمی است.

مالکیت انسان بر خویش نه بخشیدن است و نه گرفتن از

بخشیدن و گرفتن مالکیت از خویش با روح اختیار و آزادی

انسان در تضاد است.

انواع مالکیت:

همگانی: در اختیار همه مردم که بر پایه توانشان از

آن بهره می گیرند.

اولی: در اختیار نمایندگان مردم (حاکمیت) است.

قومی، قبیله ای، دودمانی: در اختیار یک گروه یا وابستگی

عقوبتی بر مبنای.

مردی / خانوادگی: در اختیار یک فرد یا خانواده است.

بدون مالکیت: در اختیار انسان ما نیستند.

چند ملیتی / در اختیار چند گروه یا کشور: منافع ای که در یک محدوده جغرافیایی

قرار دارند از آن استفاده می کنند. (اتحادیه اروپا، آسه آن)

تولید
 خدمات
 توزیع (بُخش)
 نظام پولی و بانکی

بخش (نظام) اقتصادی

تولید: صرف فرآیندی که منجر به پدید آمدن یک کالا یا ارزش اقتصادی شود، تولید نام دارد.

انواع تولید: ۱- کالاهای خام و مواد اولیه ۲- کالاهای کشاورزی

۳- کالاهای صنعتی ۴- کالاهای ایده و فکر

تأثیرات ایده و فکر: ۱- محیط زیست ۲- کارگر ۳- سطح زندگی

۴- درآمد ۵- نوع بازرگانی

اثرات مایحاق بر صنعت کشور:

مایحاق: ورود یا بیرون بردن یک کالا از کشور به صورت غیر قانونی و از مبادی ناشناس.

۱- پایین آوردن قیمت توسط تولید کنندگان

۲- اگر کیفیت و قیمت کالای خارجی به صرفه باشد

مردم آن را بیشتر می خرند و این مسئله موجب افت درآمد

تولید داخلی می شود

۳- ضرر رفت درآمد گمرکی / رکود اقتصادی / کالای مایحاق

قابل اطمینان نیست (از نظر تاریخ تولید و مصرف ،

جنس ، خدمات پس از فروش)

۴- وابستگی به کشورهای دیگر / ضرر رفت منابع ارزی

مکافآت ارزش پول / نا امنی / فساد و رشوه خواری

* هم‌ترین آسیب‌ناچاق، هدر رفت منابع انسانی و مالی کشور است. *

دولت و ملت!

به معنای عام: هم‌معنای کشور مستقل است.

به سرزمینی مسکون و محدود با مرزهای سیاسی جدا از

کشورهای دیگر می‌گویند که مستقل از کشورهای

دیگر است.

به معنای خاص: به یکی از ویژگی‌های حاکمیت

گفته می‌شود. در این معنا دولت برای اشاره

به قوه مجریه، اشاره به رئیس‌جمهور یا

نخست‌وزیر و هیأت وزیران به کار برده می‌شود.

ویژگی‌های دولت: ۱- سرزمین ۲- حاکمیت ۳- حکومت

۴- اقتصاد مستقل یافته ۵- شبکه ارتباطی ۶- حاکمیت (تسلط) ۷- تناسبات (نسبت) بین المللی

در معانی ملی؛ ملت به گونه‌ای (از مردم گفته می‌شود)

ملت ← که به دلایلی خود را متعلق به یکدیگر و وابسته

به هم می‌دانند

عوامل ملیت: ۱- فرهنگ و زبان ۲- مذهب ۳- آداب و رسوم

اجزای ۴- سرزمین ۵- تاریخ ۶- نژاد

۷- سرزمین مشترک ۸- هدف سیاسی مشترک

قدرت؛ قدرت در اصطلاح به معنی توانایی افراد یا

اعضای یک گروه یا یک حکومت بر سایر دولت‌ها یا به هدف‌ها

یا پیش بر منافع خود است.

قدرت امری نسبی است نه مطلق.

قدرت یک دولت را باید در دو جنبه صفت و جوهر کرد:

۱- دست‌های به شکلی مطلوب داخلی (حاکمیت ملی)

۲- روابط خارجی با دیگر دولت‌ها سیاست خارجی

عوامل مؤثر در قدرت ملی!

- ۱- قدرت ساختاری: وسعت سطح موهبت‌های ملی - وضعیت اقتصادی
 - ۲- قدرت جمعیتی: ساختار جمعیت - سطح آموزش - بهداشت - صحت ملی
 - ۳- قدرت اقتصادی: منابع ملی - فن آوری - ارتباطات - تجارت
 - ۴- قدرت سازماندهی: نحوه حکومت - حکومت در خارج
 - ۵- قدرت نظامی: تعداد نیروهای نظامی - تسلیحات - استراتژیها
 - ۶- قدرت ناشی از روابط خارجی: عضویت در سازمانها - جلد اعتماد
- اعتبار و ...

به نام خدا

حقیقت‌های غیرمولد اقتصاد شامل بخش‌هایی است که در کار

تولید دخالت ندارند و از راه‌های :

۱- واردات رسی ۲- قاچاق ۳- صادرات کالاهای ویژه

۴- پولشویی و پول‌های کثیف

نیف اقتصاد کشور را به دست می‌گیرند.

* گسترش بخش‌های غیرمولد و قدرت گرفتن نهادهای گروه‌های

مرتبط با آن‌ها موجب فشار و نابالای آمدی، رشوه‌خواری و ناپایداری

در جامعه می‌شود.

اقتصاد } اقتصاد انحصاری ← دولت بایک گروه خاص
اقتصاد آزاد ← رقابت و بازار

جامعہ فلسفہ / اندیشہ

اصالت فردگرایی ← ولتر ← جان لاک

← لیبرالیزم : زمینہ ی رشد افراز با استعداد
لا فراعہم کشیم (رقابت و شریعت)

اصالت اجتماعی

← رشد و شکوفایی و سعادت

اصالت جامعہ گرایی سے ژان ژاک روسو

(فرازداد اجتماعی)
← سوسیالیسم

← کارل مارکس

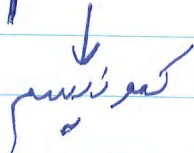
(سرمایہ)
← مارکسیسم : باہر جامعہ ای بسا زمینہ ی طبقہ
کہ زمینہ ی رشد مردم لا باہم فراعہم کشند

(چپ)

سوسیالیسم



مارکسیسم



کمونیسم

(راست)

امپریالیزم



کاپیٹالیزم



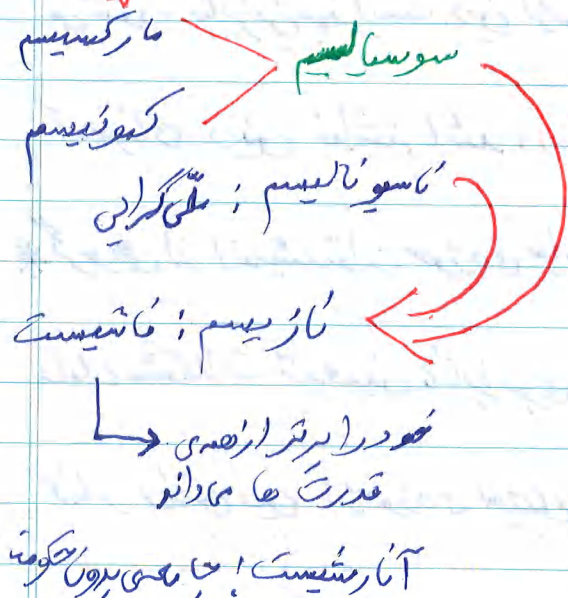
لیبرالیزم

انواع نظام های سیاسی :

برپایه ای ایڈو لوژی و اندیشی سیاسی بہ کثرت (از اندیشی (و مذہبی)

کہ صوت مدون شدہ کا پتہ ایسا ہے۔

چھتری
مسائل



از نظر شیوه فرمایشی

مستور
مطالع

با دست راست

جمهوری

پارلہانی

نظمی

سکولاریسم - لائیسیت (لائیك) - خشونت گرایی

* در دوره ی قدرت و تسلط کلیسا بر اروپا شرایطی به وجود آمد که اندیشمندان برای رهایی نظام سیاسی از تسلط کلیسا دست به نظریه پردازی زدند. آنها معتقد بودند نظام سیاسی برگرفته یا آئینۀ بارین موجب فساد در جامعه می شود. بنابراین بهتر است دین از سیاست جدا شود و نظام سیاسی شکل بگیرد که مبنای دینی نداشته باشد. (سکولاریسم)

* گروهی از اندیشمندان حوزه ی جامعه مانند مارکس پرافراتر نهاده دین را عامل مشکلات تدبیر می نمایند و ... در جامعه عنوان کردند و خواستار کنار رفتن دین از حوزه ی اجتماع، اقتصاد، علم، ورزش و ... شدند.

(لائیسیت (لائیك))